در جواب چند سئوال حضرت عبدالبهاء میفرمایند قوله الاحلی:

... و امّا عبارت کلمه مبارکه در اسرار مکنونه که باین مضمون میفرماید:

" هیکل بقا از عقبه زمرّدی وفا بسدره منتهی رجوع نمود و گریست و کروبیان از ناله او گریستند چون استفسار شد هیکل بقا فرمود در عقبه وفا منتظر ماندم و رائحه وفا نیافتم چون رجوع نمودم حمامات قدسی چند را دیدم در دست کلاب ارض مبتلا و حوریه الهی سئوال از اسامی آنها نمود جمیع مذکور شدند مگر اسمی از اسماء چون حرف اول اسم از لسان جاری شد اهل غرفات بیرون دویدند و چون حرف ثانی شنیدند بر تراب ریختند و از مکمن غیب ندا بلند شد که زیاده بر این جائز نه " این مضمون آن کلمات مکنونه است نه عین عبارت باری ملاحظه نمائید آن اسمی که در آن زمان بتمامه ذکر نشد چه بود ملاحظه مینمائید که بیوفایان چه کردند و چه جفائی روا داشتند اذیتی نبود که نکردند و صدمه نماند که نزدند و بسیف جفا هردم جسد مظلوم را قطعه قطعه نمودند و این در نزد عبد واضح و مشهود است عجبتر از این آنکه با وجود این ظلم و ستم و شدّت جفا اظهار مظلومیت نیز میفرمایند فاعتبروا یا اولی الالباب.